

انگشت دراز قانون

نگرانی خبرنگاران انگلیسی از همکاری با پلیس

جان ویلسون
ترجمه: ف. سندسی

● اگر خبرنگاران مورد آزار، بدرفتاری یا حمله قرار گیرند و یا تعقیب شوند، مسلماً از کار تهیه خبر باز خواهند ماند و مردم کمتر از رویدادها باخبر خواهند شد.

● نگرانی اساسی گزارشگران، عکاسان و گروه فیلمبرداری این است که آنها را «دست‌نشانده پلیس» معرفی کنند.

حوادث مختلف باشد، و شاید هم هیچ‌وقت حادثه فوق‌العاده‌ای نبیند، اما خبرنگاران برحسب وظیفه بارها و بارها شاهد حوادث گوناگونند.

حضور در صحنه و نگرانی عمیقی که احساس می‌شود، خیلی زود به خطری علیه توانایی خبرنگاران برای انجام کارهای خود تبدیل می‌گردد. اگر آنها مورد آزار، بدرفتاری یا حمله قرار گیرند و یا تعقیب شوند، مسلماً از کار تهیه خبر باز خواهند ماند و مردم کمتر از رویدادها باخبر خواهند شد.

اجرای قانون و اطلاع‌رسانی به مردم، دو وظیفه جداگانه است. در حال حاضر، اجرای قانون وظیفه دیگر را در معرض خطر قرار داده است. از روزنامه‌نگاران انگلیسی غالباً خواسته می‌شود که

ندرت اتفاق می‌افتد که دادگاه از صدور حکم برای پلیس خودداری کند. بسیار پیش آمده که قاضی با درخواسته پلیس - معمولاً برای دریافت تصاویر (عکس و فیلم) - سریعاً و از روی عادت موافقت کرده است. نگرانی اساسی گزارشگران، عکاسان و گروه فیلمبرداری این است که آنها را «دست‌نشانده پلیس» معرفی کنند. در این صورت، شرایط کاری آنها خطرناکتر از پیش خواهد شد.

شکی نیست که خبرنگار به عنوان یک شهروند باید با فراهم آوردن مدارک و شواهد برای محکوم کردن مجرمان و متخلفان، وظیفه شهروندی خود را به جای آورد. ممکن است یک شهروند معمولی در طول زندگی خود یک بار و شاید دوبار شاهد

- مقاومت کنیم یا به آنها تحویل دهیم؟ خبرنگاران مطبوعات و تلویزیون احساس می‌کنند اگر مطالبشان را به پلیس تحویل دهند، به آنها برحسب دست‌نشانده‌گی پلیس زده می‌شود.

پیش از این، پلیس بریتانیا به ندرت از روزنامه‌نگاران تقاضا می‌کرد که مطالب خود را در اختیار آنها قرار دهند. اما در حال حاضر، این امر به راحتی و بارها صورت می‌گیرد. پلیس از دادگاه حکم می‌گیرد تا مطالب خبرنگاران را (چه نوشتاری و چه تصویری)، برای اطلاع از جزئیات بعضی وقایع مورد بررسی قرار دهد. روایت صدور مستمر احکام دادگاه و روایت خبرنگارانی که در خطرند، ملال‌انگیز است. به

در خدمت قانون باشند.

پلیس با به کارگیری لایحه «پلیس ومدارک جنایی» که در سال ۱۹۸۶ به تصویب مجلس رسید، برای به دست آوردن حاصل کار خبرنگاران اقدام می‌کند. پیش از تصویب این قانون، پلیس به دشواری می‌توانست به مطالب خبرنگاران دسترسی پیدا کند. در ابتدا چنین به نظر می‌رسید که این قانون از خبرنگاران حمایت خواهد کرد، اما این قانون مثل «لایحه تحقیر ۱۹۸۱» پر از وعده‌های توخالی بود.

زمانی که لایحه «پلیس ومدارک جنایی» مراحل خود را در مجلس طی می‌کرد، خبرنگاران بیشتر نگران عواقب این لایحه بودند تا قدرت حمایتی آن. براساس این لایحه، داداشتها واسنهاد و تصاویری که خبرنگاران در اختیار دارند، به عنوان «مطالب ویژه دادرسی» یا «مطالب استثنایی» تلقی می‌شوند. یعنی خبرنگاران بدون مجوز قانونی مورد هجوم پلیس وتفتیش مطالب قرار نمی‌گیرند. پلیس هم نمی‌تواند به آسانی مجوز دریافت چنین مطالبی را به دست آورد، بلکه باید پس از طی مراحل قانونی، از قاضی

ضبط شده بود. این مسابقه به یک درگیری شدید فرقه‌ای انجامیده بود و تصاویر موجود، ورود مردم به استادپوم، صحنه‌هایی از تماشاگران مسابقه و خود مسابقه را نشان می‌داد.

قاضی معتقد است بعضی از نماهایی که از بازی فوتبال تهیه شده، احتمالاً به پلیس کمک می‌کند تا دریابد درگیری چه زمانی بین جمعیت روی داده است. صحنه‌های ورود مردم به استادپوم، و تصاویر تماشاگران در حین دیدن مسابقه ممکن است نشان دهد که چه افرادی در استادپوم حضور داشته‌اند. به عبارت دیگر، ظاهراً احتمال اینکه تصاویر تهیه شده مؤثر باشند، بالاست.

آگاهی دقیق از آنچه که پلیس می‌تواند با تصویری که رسانه‌ها در اختیار دارند، انجام دهد، احتمالاً باعث افزایش نگرانی خبرنگاران می‌شود و اعتقاد افرادی را قوت می‌بخشد که می‌گویند خبرنگاران باید در مورد جنایات، هر نوع کمکی در اختیار پلیس قرار دهند. برنامه تلویزیونی «جنایت» که از تلویزیون لندن پخش می‌شود، در مورد این مسایل بینش قابل ملاحظه‌ای ارائه می‌دهد. در برنامه ماهه

بدون آنکه چهره‌اش دیده شود، سعی می‌کرد در اتومبیل پلیس را بشکنند. پلیس، سری دوم عکسها را بررسی کرد. تصویری قابل شناسایی از چهره مرد دیده نمی‌شد، اما وضعیت بهتری از مهاجم نشان می‌داد. لباسهای او کاملاً مشخص، و سرش تاس یا از ته تراشیده بود. سری بعدی عکسها بررسی شد. کلوزآپ (نمای نزدیک) عکسها نشان داد مردی که در حال حمله به اتومبیل پلیس است، سری باندپیچی شده و صورتی خونین دارد.

در تصویر دیگر، مردی پلیسی را کتک می‌زد. تصویر مبهم بود و تشخیص قیافه مرد، غیرممکن. اما در همین تصویر، مرد دیگری در نزدیکی محل حادثه دیده می‌شد که دوربین ویدئو در دست داشت. فیلم او را به نمایش درآوردند. تصویر، مردم مهاجم و صحنه تهاجم را به وضوح نشان می‌داد.

مقامات پلیس معتقدند که عکسها و نوارهای ویدئویی برای محکوم کردن افراد کافی‌اند. آنها همچنین اطلاعات فراوانی در مورد افراد مختلف به دست آورده‌اند که احتمالاً در آینده از آنها استفاده خواهند کرد.



حکم گرفته و با اطلاع قبلی برای دریافت مطالب مراجعه کند.

اما با تصویب قانون، معلوم شد که عملاً بسیاری از موانع پیشین به نفع پلیس از میان برداشته شده است. دادگاهها براساس آنچه که فکر می‌کنند مناسب است، تصمیم می‌گیرند.

برای آنکه ثابت شود خبرنگاران تا چه حد در خطرند، دل‌تنگ کننده‌ترین و غم‌انگیزترین مورد در ایرلند شمالی به وقوع پیوست. یک قاضی در بلفاست حکمی صادر کرد که براساس آن تلویزیون «اولستر» و فرستنده «بی‌بی‌سی» می‌بایست تمام تصاویری را که از یک مسابقه فوتبال تهیه کرده بودند، در اختیار مقامات پلیس قرار دهند. بخشی از این فیلمها برای تلویزیون

نشان داده شد که پلیس با انبوه تصاویری که از آشوبهای رای گیری برای مالیات (در بخش مرکزی لندن) به دست آورده بود، چه کارهایی که نمی‌کند!

پلیس سرگرم تحقیق در باره دوهزار مورد جنایت و تخلف - از جمله ۵۰۰ مورد حمله به پلیس - بود. این برنامه تلویزیونی نشان داد پلیس حدود ۲۵۰۰ عکس و ۷۰ ساعت فیلم ویدئویی در اختیار دارد. نیمی از این عکسها و فیلمها را خود پلیس تهیه کرده، و نیمی دیگر را به وسیله احکام دادگاهی به دست آورده است.

این برنامه تلویزیونی تصاویری ویدئویی از چندین مورد حمله خونت‌آمیز به اتومبیلهای پلیس نشان داد. مردی پشت به دوربین و

دستاندر کاران رسانه‌های گروهی می‌گویند قانون باید بیش از این از آنها حمایت کند و استفاده از فیلمهای ویدئویی و عکسها باید آخرین ملجا باشد، نه اولین ملجا. مقامات مسئول در ابتدا باید هر نوع تلاشی را برای جمع‌آوری اطلاعات، انجام روشهای منطقی بازپرسی و گفتگو با شاهدان عینی به کار گیرند و در مرحله آخر، به بازبینی فیلمها و عکسهای متعلق به خبرنگاران متوسل شوند. حتی در آن صورت، پلیس باید قاضی را متقاعد کند که ادامه مراحل تحقیق بدون وجود این تصاویر ممکن نیست.

● از: گاردین